



روز شمار محرم (۷)؛ قطره ای از این آب را نخواستی آشامید!

روز هفتم محرم عیدالله بن زیاد نامه ای به نزد عمر بن سعد فرستاد و به او دستور داد تا با سپاهیان خود بین امام حسین و اصحابش ...

روز هفتم محرم عیدالله بن زیاد نامه ای به نزد عمر بن سعد فرستاد و به او دستور داد تا با سپاهیان خود بین امام حسین و اصحابش و آب فرات فاصله ایجاد کرده و اجازه ی نوشیدن حتی قطره ای آب را به امام ندهد، همانگونه که از دادن آب به عثمان بن عفان خودداری شد!! (۱)

عمر بن سعد نیز فوراً عمرو بن حجاج را با پانصد سوار در کنار شریعه ی فرات مستقر کرد و مانع دسترسی امام حسین و یارانش به آب شدند، و این رفتار غیر انسانی سه روز قبل از شهادت امام حسین (ع) صورت گرفت. در این هنگام مردی به نام عبدالله بن حصین ازدی که باز از قبيله ی بجيله بود فریاد برداشت که: ای حسین! این آب را دیگر بسان رنگ آسمانی نخواستی دید! به خدا سوگند که قطره ای از آن را نخواستی آشامید تا از عطش جان دهی!

امام حسین (ع) فرمود: خدایا! او را از تشنگی بکش و هرگز او را مشمول رحمت خود قرار مده!

حمید بن مسلم می گوید: به خدا سوگند که پس از این گفتگو به دیدار او رفتم در حالی که بیمار بود، قسم به آن خدایی که جز او پروردگاری نیست، دیدم که عبدالله بن حصین آنقدر آب می آشامید تا شکمش بالا می آمد، و آن را بالا می آورد! و باز فریاد می زد: العطش! باز آب می خورد تا شکمش آماس می کرد ولی سیراب نمی شد! و چنین بود تا جان داد. (۲)

پاورقی:

۱- اقصه کربلا ص ۲۳۰ به نقل از انساب الاشراف ۱۸۰ / ۳

۲- همان ص ۲۳۱